

قیام خونین حسین (ع) و یاران او

ششدهشده

یا آغاز ماه محرم و آغاز سال نو اسلامی دو خاطره بزرگ در نظر ما تجدید میگردد : خاطره هجرت تاریخی پیامبر (ص) و خاطره قیام خونین حسین (ع) و یاران فداکار و جانپناز او .
و این دو خاطره که بایک پیوند ناگستنی معنوی بهم ارتباط دارند در یک خاصی به آغاز سالها می بخشند .

هجرت پیامبر (ص) می شک آغاز درخشانترین سطوح تاریخ اسلام بود ، با هجرت پیامبر اسلام (ص) ، از انزوای محیط مکه (مکه در دوران جاهلیت) محیط خفقان و اختناق ، محیط ترور و وحشت ، محیط محو همه اصول انسانی و آزادی و بالاخره محیط سیطره افریسی ارباب زور و زر ، بیرون آمد ، و فصل نویسی از تحرک و جنبش در تاریخ اسلام گشوده شد و سرعت گسترش پیدا کرد .

اسلام در محیط مکه همچون چشمه آب دلالی بود که در میان کوههای فشرده ای محاصره کرده و تواند سرزمینهای اطراف را با جریان خود سیراب و آباد سازد .

همین دلیل هنگامیکه این چشمه عظیم در سر زمین مساعدتر و هموارتری همچون مدینه ، قرار گرفت برق آسا پیش رفت و سرعت همه جا را تسخیر نمود ، و اگر هجرت ، اساس تاریخ اسلام را تشکیل داد بزرگ ابدیت بخود گرفته نیز دلیلی همین است .

امام حسین (ع) در هجرت خود از مدینه یسکه ، و از آنجا به عراق ،

نیز بدنیال تکمیل همین برنامه بود ، هجرت او مرحله دومی از هجرت پیامبر ، و تاریخ درخشان و پر شکوهش فصل دیگری از تاریخ زندگی رسول خدا بود .
پیشوای جانپنازان راه خدمتخواست جنبشهای احزاب جاهلی ، و در رأس آنها و حزب اموی ، که بر اثر اشتباهات خلفا و سپهرن زمام امور مسلمین بنیست این بازماندگان احزاب شکست خورده مشرکان وارد مرحله خطرناکی شده بود ، در هم بشکند .

شکی نیست اگر حسین (ع) با قیام خونین خود با قیامانده ریشه های این «شجره خبیثه» را از سر زمین اسلام بیرون نمی کشید ، سرعت جان می گرفتند و به دره های گلهای و درختان پرثمر این بوستان پیچیده و همه را خشک میکردند .
بد بختی مسلمانان این بود که دشمنان درجه اول اسلام و فرزندان ابومنیان ، سلسله جنین قیامهای ضد اسلامی ، آنچنان پیش رفته بودند که تکیه بر جای پیامبر (ص) زده و از سنگر خلافت اسلامی ، اسلام را می کوبیدند .

قیام مردانه قهرمانان کربلا ، امام حسین (ع) و یاران از جنان گذشته اش چون ساعقه ، آتشباری بود که بر سر حزب اموی ، و احزاب وابسته بان دارد گردید و معایت ضد اسلامی آنها را آشکار ساخت .

از همان ظهر «عاشورا» خونین ، صدای اعتراض همچون امواج خروشان از عرسورب خاست ، این امواج با سخنرانیهای آسمین و زمین ، و «امام سجاده طیبه» السلام در کوفه و شام و مدینه همچنان تظلم و وسعت می شد و با جنبش مردان آزادخواه با ایمانی گسترش می یافت ، و همان بود که قدرت بنی امیه و احزاب جاهلی را محو و نابود ساخت .

درد بر توای پیشوای آزادگان ؛ و ای رهبر جانپنازان راه حق و فضیلت !

درد بر تو ؛ و بر یاران قهرمان تو !

درد بر تو ؛ و بر کسانی که از مکتب تو پیروی میکنند !

درد بر تو ؛ و درد بر تو !